

غلبه عرفان ناب توحیدی بر مبنای آموزه‌های اهل بیت (ع) در المیزان

مدرس عرفان اسلامی، با اشاره به محوریت توحید ناب در اندیشه علامه طباطبایی(ره)، تأکید کرد: می‌توان گفت که در کتاب المیزان، عرفان ناب توحیدی غلبه دارد که زیرساخت این نگاه عرفانی علامه، آموزه‌های توحیدی ائمه طاهریین(ع) است.



مدرس عرفان اسلامی، با اشاره به محوریت توحید ناب در اندیشه علامه طباطبایی(ره)، تأکید کرد: می‌توان گفت که در کتاب المیزان، عرفان ناب توحیدی غلبه دارد که زیرساخت این نگاه عرفانی علامه، آموزه‌های توحیدی ائمه طاهریین(ع) است.

محمدباقر خیری‌راد، پژوهشگر و مدرس عرفان اسلامی، تفسیر و علوم قرآنی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان ویژگی‌های تفسیر المیزان و چگونگی تاثیرگذاری عرفان و فلسفه بر دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی پرداخت.

وی با اشاره به این‌که یکی از تمایزات علامه طباطبایی و نویسندگان تفاسیر مآثور، تأملات طولانی ایشان در متن آیات قرآن است، گفت: در احوالات ایشان آمده است که در حالات مختلف فراغت، غالباً به تفکر در آیات قرآن می‌پرداخت.

این پژوهشگر علوم قرآن، ضمن تأکید بر غلبه نگاه عرفانی علامه طباطبایی به عنوان وجه مشخصه تفسیر المیزان، افزود: ایشان به بیان توحید ناب در تفسیر آیات قرآن می‌پردازد که با توجه به سیره ائمه معصومین(ع) به آن دست یافته بود.

خیری راد در ادامه، ضمن بیان این‌که علامه طباطبایی، اساتیدی نظیر علامه قاضی داشته که تأثیر زیادی از ایشان پذیرفته است، گفت: با توجه به محوریت توحید ناب در اندیشه علامه، می‌توان گفت که ایشان، به رغم آشنایی با عرفان اهل تسنن، سالك عرفان شیعی قلمداد می‌شود که زیرساخت تأملات آن را نگاه‌های توحیدی ائمه طاهریین(ع) شکل داده است.

وی با اشاره به این‌که علامه طباطبایی در المیزان طیف‌های مختلف جامعه، حتی مردم عادی را مخاطب قرار داده است، ادامه داد: به همین جهت، علامه وارد موارد ریز و تخصصی عرفانی نشده است تا کتاب او برای عموم مردم قابل فهم باشد و اگر جنبه‌های محض عرفانی در المیزان قابل مشاهده نیست، به دلیل همین محدودیت است.

این محقق تأکید کرد: به رغم اینکه گرایش غالب المیزان، فلسفی است، اما خود مباحث فلسفی المیزان مبتنی بر بینش‌های عمیق عرفانی است که بعضاً به شکل استدلالی و یا در قالب اصطلاحات فلسفی بیان شده است.

وی با اشاره به شباهت‌های روش فلسفی علامه طباطبایی و ملاصدرا، افزود: ایشان به جهت پیروی از ملاصدرا، می‌کوشد مفاهیم و ظرایف عرفانی را به زبان فلسفی و استدلالی بیان کند و چنین رویکردی به خصوص در «؛ مسائل توحیدی« قابل مشاهده است و می‌توان این رویکرد را در «المیزان«؛ ردگیری کرد.

پژوهشگر عرفان اسلامی، در ادامه با اشاره به امتیاز علامه طباطبایی نسبت به ملاصدرا و بیان این‌که علامه تفسیر را زودتر از سنی که ملاصدرا به تفسیر می‌پردازد، آغاز کرده است، افزود: ملاصدرا در مقدمه تفسیر خود بر قرآن اذعان می‌کند که پس از پرداختن به قرآن، به این نتیجه رسیده که عمر خود را در پژوهش‌های غیرقرآنی تلف کرده است و افسوس می‌خورد که ای کاش زودتر به قرآن پرداخته بود.

وی با بیان این‌که برخی مفسرین، نظیر اسماعیلیه، در تفسیر باطنی افراط کرده‌اند و بعضاً به طرح دعاوی بدون دلیل می‌پردازند، تأکید کرد: اما علامه طباطبایی، به دلیل تقید به روایات معصومین(ع) بیشتر به تطبیق مفاهیم کلی بر مصادیق می‌پردازد که اصطلاحاً «جری« نامیده می‌شود و به معنای حمل مفهوم کلی بر مصادیق جزئی در طی زمان است.

پژوهشگر علوم قرآنی در ادامه به بیان حدیثی از امام صادق(ع) پرداخت که «القرآن یجری کما تجری کالشمس و القمر؛ قرآن مانند آفتاب و ماه، همواره در جریان است« و افزود: این گفتار بر این معنا دلالت دارد که می‌توان يك مفهوم قرآنی را با گذشت زمان، بر مصادیق مختلف اطلاق کرد و علامه با مصداق‌یابی دقیق مفاهیم قرآنی، و بعضاً با استفاده از روایات صحیح، در پرتو این حدیث نورانی گام برداشته است.

وی با بیان این نتیجه که می‌توان تفسیر المیزان را به جهت تکیه بر روایات و مصداق‌یابی مفاهیم، يك تفسیر باطنی منحصر به فرد دانست، اظهار کرد: علامه طباطبایی با اتخاذ چنین روشی، بر خلاف سایر گروه‌های باطنی، نظیر اسماعیلیه، به ورطه افراط نیافتاده

